



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۰/۲۶

محمدصالح گردش

کلمه خونگهر



«خونگهر» در اوستا به معنی خواهر است. این کلمه در ارت یشت پارۀ ۱۶ و فرگرد دوازدهم وندیداد پارۀ ۵ آمده است. این کلمه ممکن است که ریشه کلمه «خواهر» در زبان پارسی و هم کلمه «خور» در زبان پشتو بوده باشد. همین گونه کلمه «براتر» کلمه یی ست که در اوستا آمده است چنان که در یسنا، هات ۴۵ بند ۱۱ و جا های دیگر. این کلمه در زبان پارسی نیز به هیأت برادر موجود است که با اندک تفاوتی، با اصل پیوند دارد و در زبان پشتو به هیأت «ورور» موجود است که از نظر من این هیأت نیز از همان اصل و ریشه خواهد بود. دلیلی که در زمینه دارم این ست که در بعضی گویش های زبان پارسی، برادر را به هیأت «برار» نیز اداء می نمایند که یکی از هیأت های تغییر یافته و فشرده شده ی کلمه براتر(برادر) خواهد بود. پس در این صورت این کلمه در زبان پشتو نیز بعد از یک سلسله تغییر و سیر و سفر ها به هیأت «ورور» در آمده است و آن سیر تحولی به صورت مختصر چنین به نظر می رسد: برار، ورار، که بعداً ورور شده

است. چنین سیر تحولی که به طور عجیبی به اختصار انجامیده است در کلمه «توتیریه» در اوستا که به معنی برادر پدر(کاکا) است و در زبان پشتو، «تره» شده است، می توان در نظر گرفت. این که کلمه براتر در ابتدا در زبان پشتو به هیأت «ورار» در آمده و بعداً ورور شده باشد را می شود از کلمه «وراره» در زبان پشتو که برادر زاده را گویند، اطمینان حاصل کرد.

کلمه های خور و خواهر به طور تحت اللفظی در زبان پارسی و پشتو کدام معنای خاص دیگری را افاده نمی کند؛ ولی کلمه خونگهر در اوستا را می توان با توجه به اجزای آن در زبان اوستایی و زبان هندی چنین معنی نمود: «خون» یا «خوان» در اوستا به معنی روشنایی و هم خورشید است. و کلمه «گر» در زبان فعلی هندی به معنای خانه می باشد. شاید این کلمه با کلمه «گنیری» در اوستا که به معنای قله و کوه است و در زامیادیشست چندین بار آمده، ریشه داشته باشد. ممکن است که کلمه «کور» در زبان پشتو نیز از همین ریشه و اصل گنیری بوده باشد. به این صورت کلمه خونگهر به معنای «روشنایی خانه» خواهد شد. اگر این توجیه و تعبیر درست به نظر آید پس کلمه خونگهر(خواهر، خور) در زبان اوستایی به معنی روشنایی خانه نیز بوده است و از همین جاست که پارسیان گویند: «خواهر چراغ خانه است» و در پشتو: «خور د کور رنا». ممکن است که این ضرب المثله ها و مقوله ها در اصل معنای کلمه خونگهر باشد که به این هیأت در این دو زبان تداوم یافته است.

در پیوند به کلمه خونگهر که در زبان پشتو به هیأت خور در آمده است، یک موضوع دیگری را نیز قابل یادآوری می دانم و آن اینکه در تابستان امسال(۱۳۹۸) در شهر کابل جناب استاد «حبيب الله رفيع» را ملاقات نمودم و در رابطه به نزدیکیهای زبان پشتو با زبان اوستایی با وی سخنانی داشتم. جناب رفيع صاحب برابم یادآور گردید که در فرهنگ «به دینان»، شوهر همشیره، به هیأت «خور میره» آمده است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

پس ازین اسم ترکیبی برمیآید که در زبان بهدینان(پیروان زردشتی) شوهر را، میره می گفته اند و هم این کلمه که در فرهنگهای پارسی به معنی شوهر، رئیس خانواده و کنخدا شده است، کاملاً واضح است که از زبان پشتو به زبان پارسی ره یافته است، زیرا این کلمه در میان پارسی زبانان به استثنای بهدینان، کار برد نداشته است؛ ولی در زبان پشتو کلمه «میره»(میره) یکی از کلمه های معمول و عام است. بنابراین ازین که پورداود کلمه «راد» (راد) را که در پاره ۲۳ یسنا ۹ آمده و به معنی شوهر گرفته است، موافق نیستم. ر.ک: (کلمه رادنگه، همین اثر). در این جا به- یک موضوع اساسی و عمده اشاره مینمایم که موجودیت چنین کلمه ها در زبان فارسی که بدون شک و شبهه از زبان پشتو وارد زبان پارسی گردیده اند، مرا متیقن نموده است که زبان اصلی و اولی زردشتیان پیشین و اولیه، زبانی بوده که می شود آن را مادر زبان امروزی پشتو دانست و هم زبانی را که امروز به نام زبان اوستایی می شناسیم، ممکن است تلفیقی باشد از زبان مادر پشتو و زبان قدیم پارسی، و در نتیجه محصول تلفیق آن دو زبان قدیم، همین شعبه و یا شاخه دری خواهد بود.